

متن پرسش

بسمه تعالی سلام علیکم: چندی پیش به خود نگریستم، مضطرب و نالان و وحشت زده که هیچ و هیچ نمی توانم خود را نگه دارم خود را به پیش برم، به یاد فرمایش شما در پیاده روی اربعین ۱۴۰۱ افتادم که فرمودید؛ ما پیرمرد ۷۰ سال هیچ امیدی به پاهایمان نداریم که بتوانیم قدم بعدی را برداریم بلکه این امید به خداست که می آییم و در این مسیر قدم بر می داریم. امروز که قصد و عزم بر جدیت ار تلمذ درس کرده ام خود را ناتوان و ناممکن می یابم که بتوانم حتی در حد معمول چیزی یاد بگیرم. نگاه به هدف و آینده که تقریباً امری محال شده. لکن نمی توانم این امید را در خود غرض کنم بتوان این امر بزرگ را به پیش برد. چه کنم؟ نالان و آه کنان منتظر فرجم. در رابطه با کتاب عزیز «انسان و باز انسان» بنا بر شرح صوتی دارید و یا بودن شرح درک خواهد شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به ما فرموده اند: ۱. «آن قدر ای دل که توانی بکوش» و این یعنی هر آنچه در مسیر خود برایمان پیش می آید امکان انجام آن هست و همانی می باشد که باید در آن ورود کنیم. ۲. به نظر بنده به جهت غلبه اشارات بر عبارات در کتاب «انسان و باز انسان» فعلاً نباید مشغول آن شوید. موفق باشید